

گفت‌وگو

زهرا چیدری



گفت‌وگوی «جوان» با مدیر فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

درباره نقش زنان در کانون خانواده

تمدن‌سازی زن تراز انقلاب از خانه آغاز می‌شود

خانواده زیربنایی ترین هسته اجتماع است و زنان در هر جایگاهی که باشند برای حفظ، بقا و استحکام خانواده نقش‌هایی مهم و محوری دارند.بر این اساس زن مسلمان تراز انقلاب اسلامی در خانه و خانواده است که نخستین گام‌ها را برای ساخت تمدن نوین اسلامی برمی‌دارد و با پذیرش مسئولیت‌های فرزندسوی و بعدترها همسری و مادری و در ادامه نقش‌های اجتماعی حقوق اعضای خانواده و جامعه را ایفا می‌کند و در این مسیر می‌تواند به رشد و ارتقای فردی و اجتماعی دست یابد. نقش زنان در کانون خانواده و حقوق و مسئولیت‌های آنها موضوعی است که در گفت‌وگو با مطهره عابدینی، مدیر فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و مشاور خانواده و بااگوی آن پرداخته‌ایم.

زنان در خانواده در نقش‌های مادری، همسری و قبل از ازدواج، در نقش خواهری و دختری چه تأثیری می‌توانند در انسجام خانواده و تعادل در فضای عاطفی آن داشته باشند؟
اولین اصلی که ما باید توجه کنیم این است که زنان در

خانواده زیربنایی ترین هسته اجتماع است و زنان در هر جایگاهی که باشند برای حفظ، بقا و استحکام خانواده نقش‌هایی مهم و محوری دارند.بر این اساس زن مسلمان تراز انقلاب اسلامی در خانه و خانواده است که نخستین گام‌ها را برای ساخت تمدن نوین اسلامی برمی‌دارد و با پذیرش مسئولیت‌های فرزندسوی و بعدترها همسری و مادری و در ادامه نقش‌های اجتماعی حقوق اعضای خانواده و جامعه را ایفا می‌کند و در این مسیر می‌تواند به رشد و ارتقای فردی و اجتماعی دست یابد. نقش زنان در کانون خانواده و حقوق و مسئولیت‌های آنها موضوعی است که در گفت‌وگو با مطهره عابدینی، مدیر فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و مشاور خانواده و بااگوی آن پرداخته‌ایم.

موهای‌شان را در آسیاب روزگار سفید کرده‌اند، در دست همان جا که سنگ زیرین آسیاب بوده‌اند و گذر روزگار ردپایش را بر چهره‌های‌شان گذاشته است؛ مادر بزرگ‌هایی که امروز اگر چه وجودشان برکت زندگی است و در نقطه ثقل این گوهرهای ناب و برکت‌های زندگی ما جوان ترهاست. حال‌اما با بالا رفتن متوسط سن جامعه و حرکت پدیده‌جسوری به سمت پیری و سالمندی با پدیده زنانه‌شدن سالمندی مواجهیم و طی سال‌های آینده این پدیده جدی‌تر هم خواهد شد. بخش نگران کننده بعد از این نیز نتوانند از دواج کنند و تشکیل خانواده دهند. در چنین شرایطی با مادر بزرگ‌هایی مواجهیم که دست‌کم در دوران سالمندی و در ایامی که هر انسانی نیازمند همراهی و پرستاری است، تنها مانده‌اند. بگذریم از اینکه بخشی از این مادر بزرگ‌ها ممکن است در ایام جوانی شغل و مهارت در آمدزایی نداشته باشند و با رسیدن به دوران پیری چالش‌های اقتصادی هم در کنار چالش‌های دیگری همچون تنها یی یا بیماری‌های دوران سالمندی گریبانگیر‌شان شود.

بحران سالمندی در چند قدمی کشورمان قرار دارد و طبق بررسی‌های آمار و جمعیت‌شناسی نهایتاً تا سه دهه آینده یک‌سوم جمعیت کشورمان را سالمندان به خود اختصاص خواهند داد. نکته قابل تأمل اما امید به زندگی بالاتر در زنان است که موجب می‌شود سالمندی در کشورمان به پدیده‌های زنانه تبدیل شود.

وضعیت مادر بزرگ‌ها در آینه آمار
بررسی آمارهای پژوهش‌شورای ملی سالمندان نشان می‌دهد حدود ۷۱درصد از سالمندان در شهرها زندگی می‌کردند. حدود ۹۰درصد از آنها بدون همسر (به علت فوت همسر) بودند. ۲۴درصد از آنها هرگز ازدواج نکرده بودند. ۴۴درصد از آنها دارای همسر بودند ولی تنها زندگی می‌کردند. حدود ۷۳درصد از زنان سالمند تنها، بی‌سواد بودند. در میان زنان سالمند تنها که سواد داشتند، اغلب سواد در مقطع ابتدایی یا سوادآموزی ملی بودند. بیش از ۶۱درصد زنان سالمند تنها، خانه‌دار بودند و ۲۲درصد از آنها نیز درآمد بدون شغل داشتند. از سوی دیگر حدود ۲۹درصد از زنان سالمند تنها بیمه‌پرداز

زنان

سرویس اجتماعی، ۶۰-۸۵۳۳۰

ف

وقتی ما بخواهیم زن تراز انقلاب اسلامی با زن تمدن‌ساز ایران اسلامی را به عنوان الگوی خودمان قرار دهیم، باید بدانیم که سسر آغاز این تمدن‌سازی از خانه شروع می‌شود؛ نقش فرزندسوی و خواهرسوی دختران و در ادامه نقش‌های اجتماعی به واسطه تعلیم و تربیتی که در آموزش و پرورش و آموزش عالی اتفاق می‌افتد. این مسیر باید سالم طی شود

نظر نرسند اما این فرورفتگی‌ها، برجستگی‌ها و قطعات کوچک و بزرگ در کنار هم یک تصویر زیبا و واقعی به ما ارائه می‌دهند، بنابراین اگر قرار باشد یک تصویر زیبا و واقعی از زن تراز انقلاب اسلامی را ارائه دهیم، باید همه موضوعات را ببینیم. از سوی دیگر یکی از موضوعاتی که در جامعه امروز باید مورد توجه قرار گیرد، این است که ما می‌توانیم نقش‌های زنان را حق‌مدارانه یا تکلیف‌مدارانه نگاه کنیم.

مصادقی تر بگویید.

مثال آن این است که یک موقع شما دانشجو، دانش‌آموز یا کارمند هستید یا یک خانم دیگر ممکن است در مجموعه‌ای مسئولیتی داشته باشد و مدیر باشد. هر کسی باید نگاه کند و ببیند مسئولیتش چیست و شرح وظایف این مسئولیت چه مواردی است. من نوعی باید ببینم در نقش همسری چه وظایفی داریم، در نقش مادری چه شرح وظایفی دارم و در نقش‌های اجتماعی چه شرح وظایفی برآیم و وجود دارد. اگر من بتوانم هر کدام از این نقش‌ها با نگاه تکلیف‌مدارانه و اینکه مسئولیت و تکلیف من در این نقش چیست مواجه شوم و تکلیفم را انجام دهم، در حقیقت حق طرف مقابل را در آن نقش ایفا می‌کنم. وقتی من نقش مادری را به خوبی ایفا کنم، در واقع حق فرزندم را ادا کرده‌ام یا اگر نقش همسری را به خوبی ایفا کنم، حق همسرم را به او می‌دهم. بدون اینکه در گیر مطالبات و چالش‌ها شوم. این مسئله امری دوسویه است، یعنی همسر من باید نگاه به نقشش در جایگاه همسری به عنوان یک تکلیف‌یافته کند و بداند حقوق من در جایگاه همسری چیست و چه حقوقی را از من باید ایفا کند. ما در جامعه تک‌بعدی زندگی نمی‌کنیم و نمی‌توانیم کار‌ها را یک نفره انجام دهیم و جلو ببریم. ما به واسطه نقش‌های‌مان ارتباطات مختلفی داریم و در تمام این ارتباطات هر کسسی باید فکر کند که مشق و تکلیف من چیست و همان را انجام دهد. اگر طرف مقابل هم همین نگاه را داشته باشد، به جامعه‌ای می‌رسیم که به شکل سیستماتیک حقوق ایفا می‌شود، بدون آنکه درگیری‌های حقوقی و مطالبات حقوقی در دادگاه‌ها و مجموعه‌های رسمی اتفاق بیفتد، البته بگذریم از جامعه ما به گونه‌ای پیش رفته که خیلی‌ها می‌گویند ما باید بر-د برد کار کنیم.

ما هم موافق هستیم!
قاعدتاً سازگاری و سازش زمانی

قصه و غصه مادر بزرگ‌های تنها

الگوی تنهازیستی در میان زنان سالمند به بیش از ۴برابر مردان سالمند رسیده و مادر بزرگ‌ها ۴ برابر پدر بزرگ‌ها تنها زندگی می‌کنند



زنان حدود ۴/۵سال بیشتر از مردان است، البته گفته شده که در ایران این اختلاف امید به زندگی کمتر و حدود دو سال است. پیش‌تر نیز حسام‌الدین علامه، رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور در این مورد گفت: در سال ۱۳۷۵ به ازای هر ۱۰۰ زن سالمند حدود ۱۱۶ سالمند مرد داشتیم، در سال ۱۴۰۰ اما به ازای هر ۱۰۰ زن سالمند، ۹۲مرد سالمند بود. به عبارتی می‌توان گفت جنس سالمندی در ایران زنانه شده است.

مادر بزرگ‌ها ۴ برابر پدر بزرگ‌ها تنها هستند!

سالمندی دوران استراحت و آسایش است اما خیلی وقت‌ها شرایط اقتصادی اجازه چنین آسایشی را نمی‌دهد! آن هم در سننین و شرایطی که افراد از توانایی لازم برای کار و فعالیت برخوردار نیستند.

میفی‌فایده است و روح افراد را رشد می‌دهد که بر اساس پذیرش ظلم نباشند، اما نکته مهم این است که اگر نگاه ما اخلاق‌مدارانه و تکلیف‌مدارانه باشد، چالش‌ها، انتظارات و مطالبات ما هم در مسیر همین تکالیف و حقوق است و طرف مقابل هم همینطور، بنابراین فضا فضایی می‌شود که آرامش نسبی همه افراد حفظ شده و باعث تعالی و رشد آنها می‌شود. در عین حال درگیری‌ها به حداقل می‌رسد.

سؤال دیگری که اینجا مطرح می‌شود، این است که بانوان ما چگونه می‌توانند بین نقش‌های اجتماعی و نقش‌هایی که در خانواده باید داشته باشند، تعادل برقرار کنند؟ بر اساس آنچه شما توضیح دادید، به نظر می‌رسد با رعایت حقوق و تکالیف این تعادل به شکلی جدی‌تر برقرار می‌شود و یک خانم می‌تواند جلوه کامل‌تری از خودش را به نمایش بگذارد. هر چند هیچ یک از ما کامل نیستیم!

بله، میانگین اثرگذاری افراد مهم است. شاید هر یک از ما به عنوان یک فعال اجتماعی از ۲۰، نمره ۲۰ بگیریم یا مثلاً از همسری هم ۲۰ بگیریم، اما مهم این است که در مجموع معدل ما نمره قابل قبولی باشد و بتوانیم نمره مناسبی کسب کنیم و در کارنامه ما مشروطی و مردودی وجود نداشته باشد. به این معنا که در توازن و تعادل میان نقش‌های‌مان، آنچنان فاصله‌ها مشهود نباشد؛ شبیه کارنامه‌ای که شما در آن سه درس نمره ۲۰ بگیرید و از سه درس مشروط شوید! در حالی که معقول‌تر این است که حتی با نمره پایین‌تری همه دروس را قبول شویم.

خانم عابدینی اگر چنانچه بنا باشد ایفای برخی نقش‌های ما به نقش‌های دیگرمان یا به خودمان آسیب بزند، در این صورت تکلیف چیست؟

هر کسی به واسطه پذیرش نقش‌های بیشتر، مسئولیت بیشتری می‌گیرد. قاعده‌اش این است که اگر من نمی‌توانم مسئولیت‌های نقش‌های همسری را بپذیرم و در این چارچوب قرار بگیرم، الزامی به ازدواج من وجود ندارد! یا اگر نتوانم بیسن نقش‌های خانوادگی و نقش‌های اجتماعی یک توازن برقرار کنم، در اصل لازم نیست نقش‌های اجتماعی هم بپذیرم! اهمیت این توازن اینجاست که عدم برقراری آن می‌تواند به خود ما ضربه بزند، بنابراین در چنین شرایطی باید انتخاب کرد کدام نقش مهم‌تر است و کدام نقش را باید به عنوان اولویت انتخاب کرد.

از طرف دیگر ما باید به اندازه نقش‌هایی که قبول کرده‌ایم برای خودمان مهارت‌افزایی داشته باشیم تا بتوانیم هر کدام از این نقش‌ها را ارتقا دهیم و بهبود ببخشیم. این مسئله جز با دست‌ورزی و مهارت‌افزایی اتفاق نمی‌افتد. قاعدتاً وقتی یک فردی پذیرفته در نقش خانوادگی‌اش همسر باشد و در نهایت مادر شود، اصلی‌ترین اولویت برای او پاسداری از حریم خانواده است و ما باید اصل را بر حفظ نظام خانواده بگذاریم. ما اگر بخواهیم برای یک زندگی مشترک طولانی و برای یک عمر برنامه‌ریزی کنیم، باید سازه‌های زندگی‌مان را محکم‌تر کنیم، البته که پاسداری از حریم خانواده امری دوسویه است و زن و شوهر باید در کنار همدیگر ببینند چه مولفه‌هایی برای زندگی با تأیید مبنایی اجتماعی و اعتقادی مورد قبول‌شان، باعث می‌شود خانواده رشد پیدا کند و تلاش کنند سال به سال این مولفه‌ها را در زندگی‌شان تقویت کنند.



حقوق خانواده

بارها در کتاب‌های جامعه‌شناسی، فلسفی یا تاریخی، دیده و خوانده‌ایم که انسان موجودی است اجتماعی و برای تأمین نیازهای حیاتی خود به ناچار باید به صورت گروهی و در ارتباط با سایر انسان‌ها زندگی کند. یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی اجتماعی انسان‌ها در کانون خانواده رقم می‌خورد. زن و مرد با بستن پیمان زناشویی، زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند و به این شکل، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی را پدید می‌آورند. این نهاد اجتماعی از موضوعات اصلی بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی محسوب می‌شود. رشته حقوق نیز به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین گرایش‌های علوم انسانی، همواره توجه ویژه‌ای به خانواده و مسائل مربوط به آن داشته است. یکی از بهترین منابعی که می‌توانید با رجوع به آن، اطلاعات خود را در زمینه جنبه‌های حقوقی پدیده خانواده افزایش دهید، هم‌اکنون رویه‌روی تان قرار گرفته است. علی‌اصغر دل‌زنده‌روی در کتاب حقوق خانواده، انواع پیامدها و اثرات قانونی ازدواج و تشکیل خانواده را برای شما شرح می‌دهد.

گفتیم بخش گسترده‌ای از نیازهای انسان‌ها در ارتباط مستقیم با سایر انسان‌ها برطرف می‌شود. از میان چنین نیازهایی می‌توان نیاز به همزیستی مسائل‌آميز، تولید نسل و زندگی مشترک را نام برد. طبق قوانین جمهوری اسلامی، چنین نیازهایی باید در چارچوب خانواده و از طریق عقد نکاح برآورده شوند، به همین منظور بخش‌هایی از مواد قانون مدنی به شرح همین نکاح، روابط و وظایف زوجین، همچنین تبعات حقوقی و قانونی این نوع عقد اختصاص پیدا کرده‌اند. علاوه بر قانون مدنی، امروزه قانون حمایت از حقوق خانواده نیز وضع شده که بیشتر تمرکز خود را بر حقوق زنان قرار داده و به نظر نمی‌رسد به حقوق اطفال و کودکان توجه کافی داشته باشد. به هر حال، این قانون هم به عنوان مکمل قانون مدنی در دعواوی مربوط به حوزه خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است و شناخت دقیق آن برای تمامی فعالان و دست‌اندرکاران مراجع قضایی ضرورت دارد. کتابی که پیش‌رو دارید، مسائل مربوط به حقوق خانواده را با توجه ویژه به هر دوی این قوانین مورد تحلیل و بررسی قرار داده است تا شما این واقع‌گرایانه از وضعیت کنونی حقوق خانواده در ایران به شما ارائه کند.

کتاب حاضر در بحث کلی را در برمی‌گیرد و هر کدام از آنها فصول و مباحث متنوعی را شامل می‌شوند. در ادامه، ابتدا موضوعات بخش اول را مطرح خواهیم کرد و بعد از آن، گریزی به مسائل بخش دوم خواهیم زد. در فصل اول نخست، جایگاه و ماهیت نکاح، طبق متون قانونی کشورمان مشخص می‌شود، سپس دو موضوع خواستگاری و نامزدی با نگاهی به جنبه‌های حقوقی و قانونی آنها تحلیل می‌شوند. در فصل دوم، نحوه انعقاد قرارداد نکاح و میزان اعتبار آن مورد توجه بوده است. شروط لازم برای عقد نکاح، مواعلی که بر سر راه آن وجود دارد، اثار حقوقی آن، تمهداتی که زوجین با جاری شدن عقد نکاح نسبت به یکدیگر خواهند داشت و تعیین شروط ضمن عقد، موضوعات محوری فصل سوم را تشکیل می‌دهند.

در بخش دوم کتاب حقوق خانواده، به انحلال عقد نکاح پرداخته شده است. فصل اول آن به طلاق، شروط لازم برای آن، موارد طلاق و آساری که به دنبال دارد، اشاره می‌کند. در فصل دوم، فسخ به عنوان یکی دیگر از روش‌های انحلال نکاح معرفی می‌شود و زوایای گوناگون آن تحلیل می‌شود. قواعد عمومی مرتبط با فسخ قرارداد و خیرات فسخ، از جمله مباحث اصلی این فصل به شمار می‌روند. همان‌طور که حتماً اصلی دارید، بعد از انحلال نکاح، لازم است زوج عده نگه دارد و طی یک مدت‌زمان معین، همسر دیگری اختیار نکند. مفهوم عده و انواع آن در فصل سوم بخش دوم مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

اگرچه کتابی که علی‌اصغر دل‌زنده‌روی نوشته است بیشتر برای دانشجویان رشته حقوق کارایی دارد، با این حال افرادی که قصد دارند اطلاعات خود را در زمینه حقوق خانواده ارتقا دهند نیز می‌توانند از مطالعه آن بهره‌برند. متأسفانه سطح سواد عمومی در مورد مسائل حقوقی بسیار ناچیز است و بسیاری از افراد آن گونه که لازم است از وظایف و حقوق خود در رابطه با مسائل گوناگون خبر ندارند. خواندن کتاب حقوق خانواده به این افراد کمک می‌کند دست‌کم در مورد ابعاد قانونی البته این نکته را فراموش نکنید که اثر حاضر مانند سایر کتب حقوقی، از اصلاحات و واژگانی استفاده کرده است که شاید درک آنها برای مخاطبان عام کمی دشوار باشد، اما به طور کلی، نویسنده سعی داشته است با زبانی ساده و قابل درک، مباحث مورد نظر خود را شرح دهد. از سوی دیگر، دانشجویان رشته حقوق می‌توانند این اثر را به چشم یک منبع کمک‌آموزشی ببینند که در درک درس‌های اصلی‌شان، به خصوص درس‌های مدنی ۵ و به پاری‌اش می‌آید. این کتاب حوزه حقوق به کوشش نشر چتر دانش در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.